

## شهرسازی پیشرو (مطالعه موردی: کشور فرانسه)

مسیح اله احمدی اصفهانی

دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل، کیش، ایران

### چکیده

شهر پدیده‌ای پویا و سامانه‌ای باز است که در گذر زمان در حال تحول و تغییر است. مجموعه‌ای از عناصر انسانی و عوامل مصنوعی در ایجاد این پویایی و تحول مؤثرند. مداخله و سیاست گذاری‌های فرآیندهای توسعه شهری در چارچوب این نظام پویا، الگوی برنامه‌ریزی و طراحی ویژه و منطبق با شرایط خود را می‌طلبد. این امر شالوده اساسی تغییر در اندیشه و طرح‌های توسعه شهری را در دهه‌های اخیر تشکیل می‌دهد. شهرسازی فرانسه به عنوان یکی از مهم‌ترین مراجع شهرسازی جهان خود فراز و نشیب‌هایی را از سر گذرانده است شاید این درست به همین دلیل باشد که فرانسه خاستگاه بسیاری از تفکرات نظریه پردازی‌ها و ایده‌های گاه متناقض در زمینه معماری و شهرسازی بوده است، آغاز رسمی شهرسازی در فرانسه به عنوان ابزاری دوگانه برای مهار شهر و برای زیباسازی به قبل از پیدایش واژه شهرسازی باز می‌گردد و این مهم با جنبش‌های مدرنیستی از یک سو و حضور دائمی قانون از سوی دیگر ادامه می‌یابد. تجربه اجرای طرح‌های توسعه شهری در فرانسه چه در بافت‌های موجود و چه در قالب برنامه‌ها و پروژه‌های آتی در نظام شهرسازی این کشور، نشان داده است که برنامه‌های مزبور در خلق فضاهای شهری واجد کیفیت مطلوب با توفیق چندانی روبه‌رو نبوده است و نیازمند به کارگیری رویکردهای کارآمدتری در زمینه شهرسازی و توسعه شهری است.

واژه‌های کلیدی: شهرسازی، مدیریت شهری، برنامه ریزی شهری، کشور فرانسه.

**۱- مقدمه**

شهرسازی از تعامل دو دانش متفاوت ولی مرتبط با یکدیگر که یکی طراحی شهری و دیگری برنامه‌ریزی شهری است، شکل گرفته است. این دو حوزه از دانش شهرسازی در اثر کنش و واکنش متقابل دچار تحول و تکامل زیادی شده است. روند تحولات در نظام شهرسازی معاصر برخلاف گذشته به گونه‌ای است که اقدامات برنامه‌ریزی و طراحی شهری در یکدیگر ادغام می‌شوند و به سمت وسوی یک فرآیند هماهنگ و یگانه تمایل دارند. توجه به کیفیت محیط شهری در فرآیند و طرح‌ریزی توسعه شهری موجب تعامل بیشتر میان برنامه‌ریزی و طراحی و لزوم توجه به آن در فرآیند برنامه‌ریزی شهری باعث شکل-گیری رویکردهای نوینی در حوزه شهرسازی شده است.

برنامه‌ریزی شهری مسئول اصلی هدایت شهر و تأمین عملکردها و کارکردهای آن است از سوی دیگر طراحی شهری با موضوع تغییر محیط طبیعی درگیر است و در پی آن است که کیفیت محیط مصنوع را ارتقا دهد. لذا طراحی شهری که به طور گسترده با محیط مصنوع سروکار دارد، نیازمند برخورد عقلایی با محیط طبیعی است و حفظ آن را اصل تلقی می‌کند. در این میان برای کاهش فاصله بین دو موضوع برنامه‌ریزی و طراحی شهری در حوزه شهرسازی، رویکرد میانی طلب می‌شود تا میان برنامه‌ریزی و طراحی شهری تعامل بیشتری را فراهم سازد. ضرورت این رویکرد بیشتر از آن جهت است که در طرح‌های توسعه شهری در سطوح مختلف برنامه‌ریزی، باید به کیفیت محیط مصنوع در فرآیند برنامه‌ریزی شهری توجه بیشتری شود. زیرا این کیفیت عامل کلیدی و مؤثر در رونق اقتصاد محلی، منطقه‌ای و ملی است. این ضرورت پس از سال‌های دهه ۹۰ به بعد از طرح‌های راهبردی و ساختاری در فرانسه درک و در پی آن فرآیندی در برنامه‌ریزی شهری تدوین شد که در آن سعی شد تا در فرآیند برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی علاوه بر کالبد، به کیفیت محیط و ارتقاء آن نیز توجه شده و طرح‌ریزی کالبدی و فضای شهری با هدف ارتقاء کیفیت محیط شهری صورت پذیرد.

در فرانسه در چهارچوب فعالیت‌های دولت، برنامه‌ریزی به معنای برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی است. آمایش سرزمین در فرانسه در وهله‌ی نخست نوعی سیاست دولت مرکزی برای اصلاح نامه ترازهای اقتصادی سرزمین کشور است. به بیان دیگر برنامه آمایش سرزمین در آغاز کار تنها در تمرکززدایی صنعتی خلاصه می‌شد اما در اواخر دهه ۱۹۶۰ فعالیت آمایش بخش‌های خدمات، ادارات دولتی، پژوهش و آموزش را نیز در بر گرفت. در این دهه سیاست شهری آمایش با تعریف سیاست توسعه‌ی متروپل‌های تعادل، شهرهای متوسط، شهرهای کوچک و حوزه نفوذ آنها قوام یافت.

**۲- ادبیات تحقیق**

طبق نظر گوتهایم (۱۹۶۳) طراحی شهری بخشی از برنامه‌ریزی شهری است که با زیبایی‌شناسی سروکار داشته و نظم و فرم شهر را معین می‌دارد. بررسی تعاریف طراحی شهری طی ۴ دهه گذشته نشان می‌دهد که علیرغم توجه روزافزون صاحب‌نظران متأخر به ارایه تعاریف کل‌گرایانه و جامع- در قبال تعاریف بخشی و جزء گرایانه دوران مقدم - هنوز تعریف واحدی ارایه نشده که به اتفاق آرا مورد پذیرش اهل حرفه باشد (توسلی، ۱۳۸۸). جان لنگ معتقد است که طراحی شهری، تلاشی مشارکتی است بین بخش‌های خصوصی و عمومی، بین حرفه‌ها و متخصصان حرفه‌ای و پژوهشگران که با جهان چهاربعدی سکونتگاه‌ها سروکار دارند (لنگ، ۱۳۸۷). اپلیارد (۱۹۸۲) می‌گوید تعریف و استنباط از طراحی شهری به عنوان یک رشته خاص وجود نداشته یا نباید داشته باشد.

همچنین برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در شهرسازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. لذا مدیریت، روش دستیابی به اهدافی است که برای یک سازمان در نظر گرفته می‌شود و وظایفی است که بر عهده مدیر گذارده می‌شود. مدیریت به معنای برنامه‌ریزی، سازماندهی، نظارت و ایجاد انگیزش است. چنانچه شهر به مثابه یک سازمان قلمداد گردد، لازم است که در رأس آن و به منظور اداره امور شهر از فنی استفاده گردد که مدیریت شهری نام دارد. مدیریت شهری باید برای شهر، برنامه‌ریزی-هایی را به انجام برساند، فعالیت‌های شهری را سازمان دهد و بر فعالیتهای انجام شده نظارت کند و حتی برای انجام بهینه امور، انگیزش ایجاد نماید (سعیدینیا، ۱۳۷۹). انجام چنین مواردی به آگاهی از اصول مدیریت، برنامه‌ریزی، ارتباطات، انگیزش، سازماندهی، هدایت و رهبری و نظارت و کنترل باز می‌گردد. مهمترین هدف مدیریت شهری را می‌توان در ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن در قالب اقبال و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی دانست (سعیدینیا، ۱۳۷۹). بنابراین، هنگامی که شهر، دارای مشکلات و نارسایی‌هایی در چرخه امور خود بود و از مشکلات بهداشت شهری و آلودگی‌های محیطی برخوردار و از اقسام آسیب‌های اجتماعی رنج می‌برد و بحران‌هایی همچون مسکن، نقص در ظرفیت کافی تأسیسات عمومی، بیکاری، کمی درآمد، زاغه نشینی، مشقات اجتماعی، رشد خودروی شهری و بی‌هویتی در شکل‌گیری بافت‌ها و ساختمان‌ها را تجربه می‌کرد، می‌توان به این نتیجه رسید که مدیریت شهری آن در تنگنا و نارسایی به سر می‌برد. در این باره مدیریت شهری باید ضمن دارا بودن برنامه برای وضع موجود شهر و فایق آمدن بر مشکلات آن، برنامه‌های آینده شهر را تدوین کرده و بر اساس آنها، به ترسیم آینده ایده‌آلی که بر مبنای واقعیت‌ها و شرایط زمان و مکان قرار دارد، بپردازد. در این مورد، مدیریت شهری باید حافظ شهرها و منافع مردم شهرها باشد.

لوئیس مامفورد شهر را مظهری از یک پدیده اجتماعی میدانند. او معتقد است که شهرهایی که باقیمانده‌های رسوم کهن را در خود دارند، چگونه با تحولات بی‌پروای زمین می‌توانند وابستگی خود را به گذشته قطع نکنند. شهرها بیان‌کننده جان انسان هستند که شخصیت انسانی را با خود درگیر می‌کنند. تعریف شهر در اندازه جمعیت یا تراکم یا وابستگی به محیط ساخته شده، کافی نیست. بخش انسانی شهرها، جوهره این تعریف است. خیابان‌های شهر یک مرحله از نمایش این زندگی است که از صحنه خارج شده است. منظور لوئیس مامفورد بیشتر آن است که شهرها به طور باری به هر جهت رشد یافته‌اند، ارتباط خود را رفته رفته با گذشته خود از دست می‌دهند. مشکلات زندگی شهری، فرصتی در جهت بروز ارزش‌های انسانی باقی نمی‌گذارد و شهرها، فضایی برای کار و خواب و بدون انسجام اجتماعی گردیده‌اند. همه نوع وسایل زندگی در عرصه‌های شهری آماده شده؛ بزرگراه‌ها و خیابان‌ها در کوتاه‌ترین زمان، فاصله بین نقاط مختلف شهر را با یکدیگر مرتبط می‌سازد. و این درست همپای دور شدن انسانها از یکدیگر است که فاصله‌های روحی و روانی بین آنها را روز به روز بیشتر می‌کند. هر برنامه عمرانی و هر اقدامی که به گسترش کالبدی یا رفاه شهری می‌انجامد، باید به نحوی عمیق مورد توجه قرار گیرد، تا در این رهگذر جایگاه انسان و ارزش‌های انسانی را ارج نهد. منظور آن است که مدیریت شهری تشخیص دهد که چه چیزهایی برای سلامت زندگی در شهرها لازم و چه چیزهایی مضر است. مدیریت شهری، در ابتدا و با حفظ اصول باید برای این مسایل به چاره اندیشی بپردازد. در این زمینه اشراف بر مسایل اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی، تنظیم برنامه‌های اعتدال بخش شهر، سلسله مراتب کاربری زمین، اعتدال در سکونت و نیازمندی‌های شهری، حفظ هویت‌ها و ارج نهادن به آنها، آموزش، رفع مشکلات و عوارض اجتماعی، رفع بیکاری، کاهش جرم و جنایت، رعایت حقوق شهروندی، زیباسازی بصری و حفظ سیمای شهری، تأمین نیازمندی‌های عمومی و زیربنایی، نظارت بر زمین و ساختمان از جمله وظایف

انکارناپذیر مدیریت شهری است. ایجاد اعتدال در اثر تمدن‌ساز بودن شهر و عدم اضطراب و نگرانی نهادهای شهری و مردم شهر نیز در این چارچوب قرار دارد (مهدی زاده، ۱۳۸۲).

برنامه‌ریزی شهری عبارت است از یک فعالیت علمی و منطقی، در جهت رسیدن به هدف‌های مورد توجه جامعه (شیعه، ۱۳۸۳). برنامه‌ریزی شهری، فرآیندهای ذهنی و عملی یکسری تصمیم‌های سنجیده در امور شهری است که با رعایت قیودات خاص خود شیوه و شکل رابطه انسان را با محیط شهری در قالبی بهینه طراحی و طبقه‌بندی میکند (رهنمایی و شاه‌حسینی، ۱۳۸۹). برنامه‌ریزی شهری را می‌توان هنر شکل دادن و هدایت و رشد طبیعی شهر دانست، امری که به موجب آن ساختمان‌ها و محیط‌های گوناگون ایجاد می‌شود تا به نیازهای مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و گذران اوقات فراغت و ... پاسخ دهد (هیراسکار، ۱۳۷۶).

### ۳- محدوده مطالعاتی

#### ۳-۱- معرفی کلی کشور فرانسه

فرانسه با عنوان رسمی جمهوری فرانسه یکی از کشورهای واقع شده در اروپای غربی می‌باشد که دارای چند منطقه تحت حاکمیت نیز است. فرانسه همانند اسپانیا و مراکش دارای سواحلی هم در دریای مدیترانه و هم در اقیانوس اطلس دارد. به خاطر شکل کشور فرانسه به آن لقب شش‌ضلعی را داده‌اند. بر اساس مساحت، فرانسه بزرگ‌ترین کشور اروپای غربی و اتحادیه اروپا و همچنین سومین کشور بزرگ در کل قاره اروپا بشمار می‌آید. مساحت آن بدون در نظر گرفتن مناطق ماوراء دریا (گویان، گوادلوپ، مارتینیک و رئونیون) ۵۵۱۶۷۰ کیلومتر مربع می‌باشد (کمتر از یک سوم مساحت ایران). کشور فرانسه، سرزمین حاصل‌خیزی است. زمین‌های قابل کشت فرانسه ۳۳ درصد مساحت کشور و زمین‌های زیر کشت آبی آن ۱۶۳۰۰۰۰۰ هکتار است. حدود ۲۷ درصد سرزمین فرانسه پوشیده از جنگل است. فرانسه از کشورهای ثروتمند جهان است. سرانه تولید ناخالص داخلی آن در سال ۲۰۰۰ به ۲۴۴۰۰ دلار می‌رسید. جمعیت فرانسه در سال ۲۰۰۹ بدون در نظر گرفتن جمعیت سرزمین‌های ماوراء دریا ۶۲۹۰۰۰۰۰ نفر بوده و تراکم نسبی آن ۱۱۴ نفر در کیلومتر مربع است. نرخ رشد جمعیت در فرانسه در سال ۲۰۰۸، ۰/۱۶٪ بود. جمعیت فرانسه در حال عبور از مرز ۶۷ میلیون نفر است که با این رقم، فرانسه در رتبه دومین کشور پرجمعیت اتحادیه اروپا قرار می‌گیرد.

### ۴- نظام شهری کشور فرانسه

#### ۴-۱- تحول دیدگاه آمایش سرزمین در فرانسه

در فرانسه در چهارچوب فعالیت‌های دولت، برنامه‌ریزی به معنای برنامه‌ریزی، توسعه اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی است. آمایش سرزمین در فرانسه در وهله ی نخست نوعی سیاست دولت مرکزی برای اصلاح نامه ترازهای اقتصادی سرزمین کشور است. به بیان دیگر برنامه آمایش سرزمین در آغاز کار تنها در تمرکززدایی صنعتی خلاصه می‌شد اما در اواخر دهه ۱۹۶۰ فعالیت آمایش بخش‌های خدمات، ادارات دولتی، پژوهش و آموزش را نیز در بر گرفت. در این دهه سیاست شهری آمایش با تعریف سیاست توسعه‌ی متروپل‌های تعادل، شهرهای متوسط، شهرهای کوچک و حوزه نفوذ آنها قوام یافت. در این دوران دیگر برنامه‌های آمایش سرزمین عبارت بودند از: بازرگانی و صنایع دستی بویژه در مناطق روستایی، سیاست ترابری شامل راه‌ها،

آزادراه‌ها، راه‌های هوایی و ریلی، مخابرات، آمایش مناطق کوهستانی، حفاظت سواحل دریاها و پارک‌های طبیعی، برنامه‌های بزرگ عمرانی منطقه‌ای (صنعت جهانگردی) و همچنین سیاست‌گذاری در زمینه انفورماتیک. در قوانین تمرکززدایی سال‌های ۱۹۸۱ به بعد قالب اصلی آمایش سرزمین شناخته شده است. اما این صلاحیت نیز بیشتر در جهت حمایت از توسعه اقتصادی آن‌هاست (محمودی، ۱۳۸۸). افول آمایش سرزمین در فرانسه از سال‌های بعد از ۱۹۷۵ یعنی سال‌های بحران اقتصادی آغاز شد. در این سال‌ها آمایش سرزمین جای خود را به سیاست ایجاد اشتغال یا درست‌تر سیاست حمایت از اشتغال در نواحی آسیب‌پذیر و ایجاد فرصت‌های شغلی در نواحی آسیب دیده داد و ویژگی‌های آمایش سرزمین به بوته فراموشی سپرده شد.

#### ۴-۲- تحول در نظام شهرسازی فرانسه

از تعامل دو دانش متفاوت ولی مرتبط با یکدیگر که یکی برنامه‌ریزی شهری و دیگری طراحی شهری است، شکل گرفته، این دو حوزه از دانش شهرسازی در اثر کنش و واکنش متقابل، دچار تحول و تکامل زیادی شده است. با این وجود هنوز تعریف واحدی از موضوع، وظایف و نحوه ارتباط میان آن دو وجود ندارد. در طرح‌های توسعه شهری که در دهه‌های اخیر تهیه شده‌اند بیشتر به موضوع کیفیت محیط پرداخته شده و لزوم توجه به آن در نظام برنامه‌ریزی مورد توجه واقع شده است. در بسیاری از نظریه‌ها و جریان‌ها توجه به کیفیت محیط شهری در محورهای اصلی برنامه در دستور کار قرار گرفته است. سیر تحول تئوری و نظریه‌های برنامه‌ریزی در کشورهای پیشرفته جهان در طول قرن بیستم نشان می‌دهد که طی این تحول، برنامه‌ریزی از سه مرحله اساسی عبور کرده است. هر کدام از این سه نظریه عمده برنامه‌ریزی در دوره زمانی خاصی نقش غالب و فراگیری را ایفا کرده‌اند. این نظریه‌های اصلی را می‌توان به ترتیب در پارادایم‌های زیر جستجو کرد:

- پارادایم برنامه‌ریزی جامع
- پارادایم برنامه‌ریزی سیستمی
- پارادایم برنامه‌ریزی راهبردی

در چارچوب هریک از این نظریات، الگوها و روش‌های خاصی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای پدید آمده است که هر کدام با توجه به شرایط پیدایش و نفوذ، از توان‌ها و محدودیت‌های معینی برخوردار بوده‌اند (براتی و سرداری، ۱۳۸۸).

در شهرسازی معاصر برخلاف گذشته اقدامات برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری در یکدیگر ادغام شده و به یک فرآیند هماهنگ و یگانه تبدیل می‌شود. این رویکرد نوعی تحول تدریجی است که طی سه مرحله رخ داده است: در طول دهه ۱۹۶۰ موضوعات طراحی شهری به تدریج در متن پاسخگویی به مسایل و پروژه‌های مشخصی مطرح شدند و در طول دهه ۱۹۷۰ اهداف طراحی شهری معمولاً در ضمن سیاست‌های عمومی برنامه‌ریزی گنجانده می‌شدند و در طول دهه ۱۹۸۰ ملاحظات طراحی شهری به عنوان بخشی از نظام نظارتی برنامه‌ریزی پذیرفته شدند. در ۵۰ سال اخیر در نظام شهرسازی با گذشت زمان تمرکز بر طراحی از مفهوم سیمای خارجی و منظر شهری (در مفهوم سنتی آن، که صرفاً به ابعاد زیبایی‌شناختی و بصری نظر داشت)، به مباحثی چون قلمروی عمومی و فضای همگانی، ادراک عمومی و تجربه همگانی از ساختمان‌ها و فضاها، تغییر جهت داده است. این سه مفهوم متفاوت از طراحی را می‌توان اختصاراً تحت عنوان طراحی شهری بیان کرد که دل‌مشغولی اصلی‌اش، گروهی از ساختمان‌ها و فضاها مابین آنها، قلمروهای عمومی و خصوصی خلق شده از هم‌جواری ساختمان‌ها، کیفیت‌های

بصری، عملکردی و نمادین این فضاها و در نهایت قرارگاه‌های رفتاری و فعالیتی ویژه‌ای است که در این فضاها ایجاد می‌شود. در سالیان اخیر، بعد چهارمی نیز به طراحی شهری اضافه شده که از آن با نام بعد اکولوژیک یاد می‌کنند و دغدغه آن آثار زیست محیطی توسعه بر محیط و مباحث مرتبط با پایداری است. افزودن این بعد به طراحی شهری منجر به شکل‌گیری مفهوم طراحی محیطی شد تا بدین ترتیب دامنه فعالیت‌های طراحی و کنترل طراحی در نظام معاصر برنامه‌ریزی شهری و روستایی کاملتر شود. به منظور تضمین توسعه پایدار این بعد از طراحی شهری دربرگیرنده تعاملات میان محیط مصنوع و طبیعی، منظر و اکولوژی در شهرهای کوچک و بزرگ، حفاظت از طبیعت (گونه‌های گیاهی و جانوری)، حفاظت شهری (فرم مصنوع)، انرژی کارایی و در نهایت کمینه کردن آلودگی است (پانتر و کارمونا، ۱۳۹۰).

#### ۴-۳- کیفیت محیط در طراحی شهری

اغلب مدیران شهری به طراحی به دید پدیده‌ای سطحی می‌نگرند که نمود بصری ساخت و سازهاست، با موضوعاتی مانند طرح نما و جزییات آن سروکار دارد و برخی افراد، کنترل طراحانه را امری هزینه بر، زمانبر و حتی بی‌بهره می‌دانند، و برخی دیگر بر این عقیده‌اند که طراحی امری فراگیر و تمام شمول است. دل مشغولی اصلی این گروه نحوه انطباق ساخت وسازها با بستر اجتماعی، اقتصادی و بوم شناختیشان، و نیز ضرورت توجه توسعه‌های جدید به فعالیت‌های انسانی و جریان‌های ترافیکی منبث از آن توسعه‌هاست. همچنین نحوه مدیریت فضاهایی که مخلوق توسعه‌اند، تأثیری که توسعه‌ها بر اکولوژی و فرایندهای طبیعی شهر دارند، و در نهایت تأثیر زیبایی‌شناسانه‌شان بر محیط، از جمله دیگر دغدغه‌های گروه دوم درباره طراحی است (پانتر و کارمونا، ۱۳۹۰).

#### ۴-۴- پیوند برنامه‌ریزی با طراحی شهری

طراحی شهری با عوامل زیباشناسانه شهر سر و کار دارد. یکی از جنبه‌های مطالعاتی آن جنبه عوامل فرهنگی و اجتماعی شهر است، در حالی که برنامه‌ریزی شهری به صورت عملی آن سعی دارد کلیه جوانب اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، مادی و معنوی شهر را به صورت جامع مطرح کند. شکل شهری و طراحی آن یک کار هنری است که نتیجه عوامل فوق را در خود دارد. بنابراین نمی‌تواند بدون مطالعه و بدون در نظر داشتن این عوامل به نتیجه منطقی برسد. علی‌رغم سوابق تاریخ طراحی شهری، امروزه فعل و انفعالات اقتصادی به اندازه‌ای در سرنوشت شهرها مؤثر واقع شده‌اند که تصویر کالبدی شهر را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در حالی که طراحی شهری باید بر پایه عوامل اجتماعی و طبیعی و اقتصادی شهر شکل بگیرد. طراحی شهری باید با به پای برنامه‌ریزی جامع شهری به پیش رود. نتیجه یک برنامه‌ریزی مطلوب آن است که در قالب یک طراحی مطلوب‌تر تجلی یابد. شکل فضا و جنبه‌های زیبایی و عینیت آن از یکسو و عملکرد آنها از دیگرسو، اساس طراحی شهری را تشکیل می‌دهد. بنابراین کالبد شهر و عملکرد آن نتیجه‌ای از ارتباط منطقی بین این دو عامل است (شیعه، ۱۳۹۱). با توجه به این نکته که هدف نهایی هر نوع برنامه‌ریزی و طراحی شهری کمک به اعتلای کیفیت زندگی در راستای توسعه پایدار و رفاه و عدالت اجتماعی است، برنامه‌ریزان و طراحان شهری دریافته‌اند که برای تحقق این هدف وجود رویکردی میان برنامه‌ریزی و طراحی شهری ضروری است تا اینکه برنامه‌ریزی شهری به عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای روز به روز به اهداف و روشهای طراحی شهری نزدیک‌تر شده و متقابلاً طراحی شهری نیز به عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای به طور فزاینده‌ای به سمت هماهنگی و همگامی با برنامه‌ریزی پیش می‌رود. در این رویکرد جدید گاهی از طراحی شهری به عنوان بخشی جداناپذیر از فرآیند برنامه-

ریزی شهری و گاهی به عنوان یک بعد از برنامه‌ریزی شهری یاد می‌شود. در عمل نیز موضوعات طراحی شهری در بسیاری از طرح‌های توسعه و عمران شهری جدید به عنوان یکی از عناصر پایه‌ای در مطالعات و پیشنهادهای طرح با توجه به مقیاس و نوع آن مطرح شده و همانند سایر پیشنهادهای طرح توسعه شهر به مرحله اجرا گذاشته می‌شود (گلکار، ۱۳۸۴).

برنامه‌ریزی راهبردی نیز از دهه ۱۹۸۰ به بعد در نظام شهرسازی مطرح و متناسب با آن برای برنامه‌ریزی و طراحی شهری راهبردی تعاریفی ارائه شد که چشم‌اندازها، اهداف کلان، راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی برای تحقق اهداف مورد نظر در این نوع از برنامه‌ریزی تدوین می‌شود (براتی و سرداری، ۱۳۸۸) و (گلکار، ۱۳۸۴). اینک برنامه‌ریزان و طراحان شهری به این حقیقت دست یافته‌اند هدف نهایی هر نوع برنامه‌ریزی و طراحی شهری کمک به اعتلای کیفیت زندگی در بستر توسعه پایدار و رفاه و عدالت اجتماعی است و بنابراین راهی جز همکاری و هماهنگی میان آنان وجود ندارد.

#### ۴-۵- برنامه‌ریزی طراحی محور

بعد طراحی برنامه‌ریزی، حوزه‌ای مناقشه‌آمیز و محل تعارضات بی‌پایان میان معماران و برنامه‌ریزان، سازندگان و طراحان، متخصصان و عامه مردم، مراجع محلی و کارشناسان برنامه‌ریزی و گروه‌های اجتماعی است. بعد طراحی موضوعی بنیادین و در عین حال جنبی در برنامه‌ریزی است. بنیادین به معنای اینکه بیشترین کنترل و نظارت مرتبط با توسعه‌ها و ساخت و سازها از نقطه نظر طراحی اعمال می‌شود؛ جنبی به این معنا که معمولاً کیفیت طراحی به منظور حصول دیگر اهداف خرد (به ویژه تمایل برای توسعه و ساخت و ساز یا خلق فرصت‌های شغلی در حوزه‌هایی که از لحاظ اقتصادی دارای مزیت‌های کمتری هستند)، قربانی می‌شود (لطفی، ۱۳۹۰).

در بسیاری از نواحی، مطالبات زیادی برای اعمال کنترل‌های پیچیده‌تر و سختگیرانه‌تر در مورد طراحی وجود دارد، اما به همان اندازه نیز مطالباتی مبتنی بر کمینه‌کردن ضوابط کنترل‌کننده در جهت ترغیب آزادی‌های فردی و رقابت‌های اقتصادی وجود دارد (پانتر و کارمونا، ۱۳۹۰). رویکرد برنامه‌ریزی طراحی محور در آستانه قرن ۲۱ مطرح شد و عمدتاً از طرف معماران و طراحان شهری به حوزه شهرسازی وارد شد. این رویکرد، عناصر و تصمیمات برنامه‌ریزی را بر پایه تصور از کیفیت و احجام سه بعدی حاصله تدوین کرده و ویژگی‌های کیفی مکان را نیز در نظر می‌گیرد و تأکید کمتری بر کاربری زمین و استانداردهای مهندسی دارد. در این رویکرد مطلوبیت کیفیت و فرم از اهمیت بیشتری برخوردار است. این رویکرد اهداف و معیارهای طراحی را مشخص می‌کند. اهداف و معیارها باید در تهیه و تصویب طرح‌ها مدنظر قرار گرفته و قابلیت طرح در مقیاس‌های کلان را نیز داشته باشد. رویکرد طراحی محور در برنامه‌ریزی شهری، شرایط و اولیتهای را ارزیابی می‌کند. این ارزیابی مبتنی بر توانایی قضاوت کارشناس است؛ یعنی قبل از ساخت و ساز و توسعه، نتایج کیفی و فضایی محدوده پیشبینی می‌شود (عباس‌زادگان و رضوی، ۱۳۸۵). به طور کلی اصول برنامه‌ریزی طراحی شامل: استواری بر اهداف عملکردی، انعطاف‌پذیری ضوابط و مقررات، درک اهمیت عرصه‌های عمومی و ارتباط آنها با هم، توجه به تراکم و اختلاط کاربری و معماری و اهمیت مطلوبیت کیفیت و فرم است (رفعیان، ۱۳۸۸).

## ۵- بحث و نتیجه گیری

مقصد نهایی برنامه‌ریزی شهری شهرها به مثابه نظام مرکب، پیچیده و کلان در تغییر و تحول دائمی است. شادابی، سرزندگی و ادامه حیات این نظام، در گروهی تحقق سه رکن برنامه‌ریزی، مدیریت و مشارکت شهروندان است. این سه رکن اصلی و هم‌پیوند به شهر تجسم می‌بخشند. شهرسازی در روند حفظ و توسعه شهر به ارکان برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و به ابزار نظارت عمومی، مشارکت وسیع مردمی و نیروهای اجتماعی نیازمند است تا شهر و شهرنشینی مناسب برای زندگی انسان محقق شود. بافت‌های شهری به عنوان جزیی از نظام یکپارچه شهری، برای ساماندهی و تجدید حیات شهری، مستلزم حرکتی آگاهانه و نیازمند مجموعه راهبردهایی پیوسته و هماهنگ است. بر همین اساس سامان دادن همه‌جانبه بافت‌های شهری در سایه تعریف و تأمین بنیان‌های ساختاری و حرکت با برنامه از پیش تعیین شده، تحقق‌پذیر است برنامه‌ریزی شهری را می‌توان ایجاد محیطی راحت‌تر، آسانتر، دلپذیرتر و لذت‌بخش‌تر برای شهرنشینان دانست (شیعه، ۱۳۹۱).

شهرسازی فرانسه به عنوان یکی از مهم‌ترین مراجع شهرسازی جهان خود فراز و نشیب‌هایی را از سر گذرانده است شاید این درست به همین دلیل باشد که فرانسه خاستگاه بسیاری از تفکرات نظریه پردازی‌ها و ایده‌های گاه متناقض در زمینه معماری و شهرسازی بوده است آغاز رسمی شهرسازی در فرانسه به عنوان ابزاری دوگانه برای مهار شهر و برای زیباسازی و قبل از پیدایش واژه شهرسازی باز می‌گردد و این مهم با جنبش‌های مدرنیستی از یک سو و حضور دائمی قانون از سوی دیگر ادامه می‌یابد. شرایط ناشی از وقوع دو جنگ جهانی شهرسازی استقرار و بازسازی را شکل می‌دهد و به بالندگی می‌رساند شکوفایی یا شاید رشد عنان گسیخته پس از فشار جنگ تدارک مجدد ابزار جنگ و آمایش را ضروری می‌سازد که البته این با شرایط و جوان به دیگری مدنظر قرار دارد در همه این مراحل دولت به عنوان نیروی اصلی و قالب سکندار اصلی همه فعالیت هاست حال آنکه به تدریج مخالفت با این تمرکز همیشگی بروز می‌نماید و به ناگاه تبدیل به یک موج و مد می‌گردد و به همین دلیل است که بهانه تمرکززدایی روند تهیه طرح‌ها را دگرگون می‌سازد کاری که البته به سبب به همان ماهیت و گونش آنطور که باید ثمربخش نیست (توفیق، ۱۳۸۴).

قانون جدید شهرسازی فرانسه آزمون روش فرانسوی برای رسیدن به نوع جدیدی از توسعه است که شاید بتوان همان توسعه پایدار نامید. برای متولد شدن ساختن چنین اندیشه‌ای که پرداختن به همان دغدغه‌های همیشگی مسکن حمل و نقل و شهرسازی به شکل مستقل و در عین حال هماهنگ و یکپارچه چهارچوب این شهرسازی جدید را تشکیل می‌دهد (غمامی، ۱۳۸۴). این دیدگاه که مراحل آغازین حیات خود را می‌گذراند هنوز به شکلی جدی امتحان خود را پس نداده و گرنه جهت اهداف و خط مشی‌ها و بیانیه‌های به روز جهانی سازگار است ولی زمان لازم است تا نتایج چنین رهیافتی خود را به وضوح بنمایند. به نظر می‌رسد که بیش از آنچه مقایسه با تطبیق نظام شهرسازی فرانسه چاره‌ساز باشد. تصمیم‌گیری‌ها در مورد رویکردهای قانونی سیاسی و اداری و توافق درباره چشم انداز توسعه مورد نظر برای آینده ضرورتی انکارناپذیر دارد. اگر چنانچه فعالیت‌های شهرسازان و چهارچوب‌های مشارکتی فراهم باشد اخذ ابزارها روش‌ها و رهیافت‌های برنامه‌ریزی و طراحی کاری ناممکن نخواهد بود.



## ۶- پیشنهادات

- ۱- توجه ویژه به مقوله‌های مهم محیط زیستی و رفاهی در فرآیند مدیریت شهری و شهرسازی از قبیل پارامترهای حمل و نقل، مدیریت پسماند، فضای سبز و ...
- ۲- بهره‌گیری از برنامه‌ریزی هوشمند در فرآیند شهرسازی
- ۳- استفاده از برنامه‌ریزی مبتنی بر طراحی‌های اصولی شهری (برنامه‌ریزی طراحی محور) پیش از فرآیندهای ساخت و ساز
- ۴- توجه توأم به برنامه‌ریزی، طراحی، پتانسیل‌های طبیعی سرزمین برای بهره‌برداری، نیاز شهری بر اساس نیاز شهروندان.

## منابع

۱. براتی، ناصر؛ سرداری، محمدرضا. (۱۳۸۸). برنامه توسعه راهبردی (استراتژیک) شهری. تهران: انتشارات نوآوران دانشگاه پارسه.
۲. پانتر، جان؛ کارمونا، متو. (۱۳۹۰). بعد طراحی برنامه‌ریزی (نظریه، محتوا و اقدامی عملی برای تدوین سیاست‌های طراحی)، ترجمه: سید عبدالهادی دانشپور و رضا بصیری مزدهی. تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۳. توسلی، محمد. (۱۳۸۸). طراحی شهری: هنر نو کردن ساختار شهر. تهران: محمود توسلی.
۴. توفیق، فیروز. (۱۳۸۴). روش‌های نوین شهرسازی نوین در فرانسه به کوشش مجید غمامی، روش‌های نوین شهرسازی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری
۵. رفیعیان، مجتبی؛ رضوی، حامده. (۱۳۸۸). ارتقاء کیفیت محیط شهری با استفاده از رویکرد برنامه‌ریزی طراحی محور (تئاتر شهر و پهنه پیرامون). مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۴، شماره ۲، صفحه ۲۶۹ تا ۲۷۸.
۶. رهنمایی، محمدتقی؛ شاه‌حسینی، پروانه. (۱۳۸۹). فرآیند برنامه‌ریزی شهری ایران. چاپ ششم. تهران: انتشارات سمت.
۷. سعید نیا، احمد. (۱۳۷۹). مدیریت شهری، سازمان شهرداریهای کشور، جلد یازدهم، تهران.
۸. شیعه، اسماعیل. (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری، چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات علم و صنعت ایران.
۹. شیعه، اسماعیل. (۱۳۹۱). کارگاه برنامه‌ریزی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
۱۰. عباس زادگان، مصطفی؛ رضوی، حامده. (۱۳۸۵). اتخاذ رویکردی نوین برای تهیه طرح‌های توسعه شهری. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۸، صفحه ۱۵ تا ۲۲.
۱۱. غمامی، مجید. (۱۳۸۴). روشهای شهرسازی نوین در فرانسه-انگلستان. -آمریکا تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۱۲. گلکار، کوروش. (۱۳۸۴). چشم‌انداز شهر-محل: پیشنهاد یک چارچوب مفهومی برای صورتبندی بیانیه چشم‌انداز، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، صفحه ۲۵ تا ۳۶.
۱۳. لطفی، سهند. (۱۳۹۰). بررسی و تحلیل نظام برنامه‌ریزی فضایی فرانسه، آمایش سرزمین سال سوم، شماره ۵.
۱۴. لنگ، جان. (۱۳۸۷). طراحی شهری: گونه‌شناسی رویه‌ها و طرح‌ها. ترجمه: سید حسین بحرینی. تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. محمودی، سید محمد. (۱۳۸۸). تحلیلی بر سیر تحولات کلان آمایش سرزمین فرانسه در نیم قرن گذشته و ارائه پیشنهاداتی جهت بهبود وضعیت آمایش سرزمین ایران، مجله آمایش سرزمین، سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان، صفحه ۱۴۱ تا ۱۸۰.
۱۶. مهدیزاده، جواد. (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی راهبردی توسعه‌ی شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران)، شورای انتشارات حوزه معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی.

۱۷. هیراسکار، جی.کی. (۱۳۷۶). درآمدی بر مبانی برنامه‌ریزی شهری، چاپ اول. ترجمه: محمد سلیمانی و احمدرضا یکانی فرد. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم.

## Upcoming Urbanism (Case Study: France)

Masialah Ahmadi Esfahani

*PhD student in Urban Planning, Islamic Azad University International Branch, Kish, Iran*

---

### Abstract

The city is a dynamic phenomenon and an open system that is evolving and changing over time. A set of human elements and artificial factors are effective in creating this dynamism and transformation. The intervention and policy-making of urban development processes within the framework of this dynamic system requires a special planning and design model that is appropriate to its conditions. This is the basic foundation of the change in urban development ideas and plans in recent decades. As one of the most important urban planning authorities in the world, French urban planning has gone through ups and downs. Perhaps this is why France has been the origin of many theories and sometimes contradictory ideas in the field of architecture and urban planning. The official beginning of urban planning in France as a dual tool for controlling the city and for beautification dates back to before the emergence of the word urban planning, and this continues with modernist movements on the one hand and the permanent presence of law on the other. The experience of implementing urban development plans in France, both in the existing contexts and in the form of future plans and projects in the urban planning system of this country, has shown that these plans are successful in creating urban spaces of the desired quality. It has not faced much and needs to use more efficient approaches in the field of urban planning and urban development.

**Keywords:** urbanism, urban management, urban planning, France.

---